

مسئله ملی و مارکسیسم - لنینیسم

از میان آنها برخورد نیروهای چپ به مسئله قابل دفاع و درخور تأمل است؛ هر چند ضعف‌ها و خطاهایی در این برخورد وجود داشته و دارد. مارکس، انگلس و لنین با در نظر داشت شرایط آن روزی جهان و جامعه‌شان به بررسی نسبتاً دقیق مسئله ملی در ارتباط با جنبشش بقیه در صفحه ۴

مسئله ملی به مثابه پدیده‌ای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی همواره یکی از مسائل اکتوتل مورد بحث و محل برخورد حاد عقاید بوده است. در این میدان برخورد سیاسی و ایدئولوژیک، دیدگاه‌های متفاوت و متغییری در برابر هم قد علم کرده‌اند.

بحثی درباره تاریخ زبان ترکمنی

از آنجاییکه انسانها تاریخ و ادبیات و مجموعه فرهنگ خویش را بوسیله زبان به نسلهای بعدی منتقل کرده‌اند، بهترین شیوه یادگیری تاریخ يك خلق آموختن تاریخ زبان آن خلق می باشد. بسیاری از خلقها و ملت‌های دنیا در این زمینه موفق بوده و تاریخ زبان خویش و حتی کوششهای مختلف خود و بالطبع تاریخش بقیه در صفحه ۶

زبان، این مهمترین وسیله ارتباط بین بشریت در تکامل و شکوفایی شعور انسان و گستردگی توانایی آن نقش بسیار عظیمی ایفا نموده است. زبان یکی از عوامل اصلی تعیین کننده يك ملت است. بدون زبان، تفکر و انتقال آن بدیگران و یسا بهره برداری از دانش دیگران امکانپذیر نیست.

در این شماره:

خدر دریایف، نویسنده و شاعر بزرگ

در صفحه ۵

خلق ترکمن در گذشت

بمناسبت آغاز سال تحصیلی جدید

در صفحه ۳

دعوا بر سر لحاف ملاست!

در صفحه ۲

رژیم ج. ا. و خودکفایی

در صفحه ۱۱

رویدادهای جهان

در صفحه ۱۲

ایرانی بیگیت

در صفحه ۷

ایران و عراق، جنگ یا صلح؟

با اینکه از اعلام آتش‌بس میان دو کشور ایران و عراق نزدیک به دو ماه می‌گذرد، هنوز از مذاکرات بین دو کشور نتیجه‌ای حاصل نشده است. سران ضد مردمی ج. ا. و حاکمان جنسایتکار بغداد هر یک به دلایلی، یکی به بهانه "حق بازرسی کشتی‌ها در خلیج فارس" و دیگری به بهانه لایروبی شط العرب همچنان علیه انعقاد قرارداد صلح کارشکنی می‌کنند.

خبرگزاری رویتر از بغداد گزارش می‌دهد: "در حالی که مذاکرات صلح میان ایران و عراق همچنان در بن بست قرار دارد، دولت بغداد اعلام کرد که امکان تغییر مسیر شط العرب را مسورد بررسی قرار داده است. از جانب دیگر رژیم خمینی دائم از اعزام نیروهای بسیجی و تازه نفس به جبهه‌های جنگ خبر می‌دهد. حاکمان هر دو کشور در فرصتی که نمیشناسد به قلع و قمع مخالفان خود پرداختند. رژیم عراق دست به قتل عام کرده‌ها میزند و رژیم ج. ا. مخالفان خود را در زندانها دسته دسته به جوخه‌های اعدام می‌سپارد. حاکمان هر دو کشور آگاهند که نمیتوانند جنگ را از سرگیرند. چرا که هشت سال جنگ فرسایشی برای مردم دو کشور جز نیستی و نابودی چیزی بیار نیاورد. و بقیه در صفحه ۲

دعوا بر سر لحاف ملاست!

هر از چند گاهی اختلافات در درون جناح های حاکم ج.ا.س می کشد. شیوه رایج این بود که "امام امت" دستی بر سر طرفین درگیر می کشید و سر و صداها را برای مدتی می خواباند و دو طرف برای حفظ "اسلام" و حفظ آبروی "امام امت" با هم کنار می آمدند. این روزها دیگر کنترل از دست "امام" خارج شده است. چندی پیش نخست وزیر منتخب "امام" بدون اجازه ایشان استعفا داد (البته استعفایش پذیرفته نشد!) و اکنون هم دعوا بر سر این است که آیا سپاه پاسداران به عنوان یک ارگان بعاند یا

پرونده هایی که با تشکیل کمیسیون نظارت مورد رسیدگی قرار گرفته، پرونده مربوط به سوء استفاده از مجوزهای سپاه پاسداران است که توسط افرادی از بخش خصوصی با کمک افرادی از سپاه پاسداران انجام شده است.

بالاخره طرح ادغام سپاه در ارتش برای ۶ ماه توسط همین نمایندگان مجلس به تعویق انداخته شد. آری گاه و بیگاه این گرگان حاکم بر جامعه ما به هم چنگ و دندان نشان می دهند، اما هیچگاه همدیگر را نمی درند.

خیر؟ در روزهای اخیر بخشی از نمایندگان رژیم در مجلس طرح ادغام سپاه در ارتش را ارائه نمودند. بلافاصله دست اندر کاران سپاه و حامیان شان برای حفظ موقعیت خود دست بکار شدند. محسن رضایی در یک میزگرد تلویزیونی اعلام کرد "سپاه پاسداران در حال حاضر به فرمان حضرت امام در کنار ارتش، از انقلاب اسلامی دفاع می کند" و در حقیقت سپاه جزئی از ارتش و ارتش جزئی از سپاه است. در مقابل، مهندس میرزاده در مصاحبه با خبرنگار کیهان اعلام کرد "از جمله

ایران و عراق . . .

ادامه این وضع نمی توانست پایه های حکومت را در هر دو کشور به لرزه در نیارد. از آن گذشته ادامه این جنگ برای افکار غنومی جهان نیز غیر قابل تحمل شده بود، تا جایی که در شورای امنیت سازمان ملل متحد تحریم فروش اسلحه به کشورهای درگیر جنگ مطرح شده بود. به درازا کشاندن مذاکرات صلح و درین بست قرارداد آن با متهم کردن یکدیگر به سنگ اندازی در ادامه گفتگو در بسیاری آتش بس، تاکتیکی است که از جانب طرفین اعمال می شود، و رژیم عراق با توجه به موقعیت برتر خود در اواخر جنگ، بر این موضع صرتر از ج.ا.س است.

نیود آترناتیو در هر دو کشور، یکی از دلایل عبود دیگری است که از شتاب سران دو رژیم در دست یابی به یک

موافقت می کاهد. آنچه مربوط به ایران میشود، آن است که رژیم ج.ا.ع از ادامه جنگ، در واقع تسلیم صلح شد و در حال حاضر، پیش روی خود مرد می خسته از جنگ و ویرانی با آرزوهای از دست رفته را می بیند. ترس از صیان مردم، آخوند ها را به فکر چاره جویی و یا بهتر بگویم به سراسیمگی انداخته است. عدم وجود اپوزیسیون مشکل در داخل کشور مانع از شکل گیری حرکتی توده ای بر علیه رژیم می شود و این امکان خوبی است برای

بیکاری، بی خانمانی، اختناق و حکومت ملوک الطوائفی همه را خسته کرده است و اما نبود دورنمای روشن و بویژه تجربه تلخ انقلاب بهمین و مهتر از همه عدم حضور نیروی توده ای مشکل در محضه مانع از بکارگیری خشم توده ها به شکل متحد آن علیه رژیم می گردد. وظیفه نیروهای انقلابی و دموکراتیک جامعه است که با ارائه تحلیل درست از اوضاع جامعه و تشکیل جبهه ای دموکراتیک، در ضد سرنگونی رژیم برآیند.

ملایان که بدینوسیله بتوانند از پریشان حالی بد آریند و سروسامانی بگیرند. به قول یکی از سخنگویان رژیم، کشورهای خارجی برای بازسازی کشور به رقابت پرداخته اند.

درست است که اکثریت اقشار مردم از حکومت ملایان به تنگ آمده اند. گرانی

خدر در ریاف، . . .

ایران، در گذشت خدر در ریاف ایمن نویسند و شاعر بزرگ و مبارز خلق ترکمن را به تمامی ترکمنهای جهان و به دولت و حزب کمونیست ترکمنستان شوزوی و به بازماندگان وی صمیمانه تسلیت می گوید.

بهنا سبت آغاز سال تحصیلی جدید

با آغاز سال تحصیلی جدید، میلیونها جوان و نوجوان میهنان وارد مدارس و آموزشگاههای عالی کشور گردیدند. با آنکه آغاز سال تحصیلی جدید با اعلام آتش‌بس، می‌رود که سالی بدون بیمارانهایی هوایی و بی‌بیم و هراس از بیمارانها در حین درس برای دانش‌آموزان میهنان باشد، اما سایه شوم ارتجاع قرون وسطایی رژیم جمهوری اسلامی همچنان بر مدارس و دانشگاه‌های میهنان حاکم است.

واقعیت آنستکه دانش‌آموزان و دانش‌جویان میهنان چه در دوره حاکمیت رژیم پهلوی و چه در دوره حاکمیت رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی نقش‌شایسته‌ای در حیات سیاسی کشورمان داشته‌اند. مدارس و آموزشگاه‌های کشورمان همانگونه که در دوره حاکمیت رژیم پهلوی با خروش علیه رژیم پهلوی و با شکستن سکتوت سنگین حاکم بر فضای ایران، دانشگاه‌ها و مدارس را به مراکز فعالیت‌های سیاسی علیه رژیم پهلوی تبدیل کرده بودند، از آغاز حاکمیت رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی نیز نقش‌شایسته‌ای در مبارزه علیه رژیم ایفا کرده‌اند. بسیاری از فعالین و رهبران جنبش انقلابی و مترقی میهنان و ترکمنستان از درون اینان برخاسته‌اند. بعد از سرکوب خونین اولین جمهوری ترکمنستان ایران و برقراری حاکمیت رضا خان قلدر که سایه یأس و وحشت فضای ترکمنستان را فرا گرفته بود، اولین جوانه‌های مبارزه علیه رژیم تئوسلط دانشجویان و معلمین قهرمان ترکمن آغاز

گردید. در تمام دوران حاکمیت رژیم پهلوی دانش‌آموزان، دانشجویان و فرهنگیان ترکمن با مبارزه علیه رژیم پهلوی و با نثار جان خود و سازماندهی مبارزات خلق ترکمن علیه رژیم و با شکستن فضای یأس و ترس حاکم به منطقه، نشان دادند که تا کسب حق تعیین سرنوشت خلق خود و برقراری حاکمیت مردمی لحظه‌ای از مبارزه باز نخواهند ایستاد.

یاد و خاطره قهرمانی‌ها و مبارزات دانشجویان و معلمانی چون قربان سیوری‌ها و امان جان ابائی‌ها هرگز از یاد خلق ترکمن پاک نخواهد شد. با سقوط رژیم پهلوی، با توجه به ساختار اقتصادی - اجتماعی ترکمنستان دانش‌آموزان، دانشجویان و معلمان انقلابی ترکمن، که نقش مؤثر و سازنده‌ای در سازماندهی مبارزات خلق خود علیه رژیم شاه داشتند، بعد از سقوط رژیم پهلوی نیز به‌شابه پیشگامان خلق ترکمن جزو اولین بنیانگذاران کانون بود و نقش اصلی را در تداوم و سازماندهی مبارزات خلق خود در مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی ایفا کردند.

در دوره حاکمیت یکساله شورائی خلق ترکمن، این فرزندان راستین خلق ترکمن با سازماندهی شوراها و شرکت مستقیم در مبارزه خلق خود و با تشکیل شوراها و دانش‌آموزان، دانشجویان و کسانون فرهنگیان ترکمن وابسته به کانون فرهنگی سیاسی خلق ترکمن و با دفاع قهرمانانه

از سنگرهای مبارزه برای دموکراسی و کسب حق تعیین سرنوشت در جنگ اول و دوم گنبد و نثار جان عزیز خود ثابت کردند نه رهروان واقعی قربان سیوری‌ها و امان جان ابائی‌ها می‌باشند و مدارس آموزشی ترکمنستان برای همیشه سنگر مبارزه برای دموکراسی و حق تعیین سرنوشت خلق ترکمن خواهد بود.

در این دوره از مبارزات خلق ترکمن نیز معلمان و دانشجویان و دانش‌آموزان قهرمانی چون عمادی‌ها، مختوم‌ها، شهنازی‌ها، آتین‌ها، ارازی‌ها و آرجاها و... درخشیدند و به اخگران تابناک خلق پیوستند.

همچنانکه رژیم‌های ضد خلقی همیشه کوشیده‌اند تا در اختیار گرفتن و کنترل مراکز آموزشی و تبلیغی و ترویج ایدئولوژی ارتجاعی خود، از این مراکز جهت پیشبرد سیاستهای ارتجاعی خود بهره‌گیرند، رژیم جمهوری اسلامی نیز بعد از سرکوب حاکمیت خود مختار شورائی خلق ترکمن ایران و با توجه به اهمیت مراکز آموزشی در جنبش مترقی و انقلابی خلقهای جهان و وزن سنگین آن بخصوص در ترکمنستان ایران، اولین هجومش را در کنار سرکوب شوراها از این مراکز آغاز کرد و با اعدام بسیاری از معلمین، دانشجویان و دانش‌آموزان انقلابی عضو کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن و دستگیری و به بند کشیدن بسیاری از آنان، به خیال خام خود کوشید تا مبارزات آنها را متوقف سازد.

بقیه در صفحه ۱۰

مسئله ملی و ...

کمونیستی و کارگری پرداخته اند. جدا از جزئیات برخورد این کلاسیک ها به مسئله ملی، می توان مغز اندیشه آنان را به این صورت خلاصه کرد: مسئله ملی تابعی است از امر انقلاب و مبارزه طبقاتی در جهت استقرار نظام سوسیالیستی به رهبری طبقه کارگر، به عبارتی صحیح تر به رهبری حزب کمونیست. جنبش های ملی باید در جهت جنبش کارگری کانالیزه شده و در صفوف آن ادغام گردند. بدیهی است که رهبری این جنبش ها اعم از ملی و یا کارگری باید در دست کمونیست ها بود و همه حرکات بایستی همگون و همسو باشند. جدایی صف این دو جنبش، به عبارتی دیگر در پیش گرفته شدن راهی مستقل و متکی بخود از طرف جنبش ملی، هدفی جز تفرقه در جنبش کارگری تعقیب نکرد و مآلاً آینده ای جز غلظیدن به دامان بورژوازی ندارد.

بدون اینکه خواسته باشیم این نوع برخورد به مسئله را به شلاق انتقاد بکنیم و یا آن را بی قید و شرط بپذیریم، لازم دیدیم که نگاهی اجمالی به پروسه تدوین تئوری مسئله ملی بویژه از طرف لنین و استالین و برخورد حزب بلشویک بکنیم.

در روسیه مسئله ملی بویژه بعد از انقلاب ۱۹۰۵ این کشور به یکی از مسائل گرهی و مشکل زای حکومت تزاری تبدیل شد. احزاب سیاسی روسیه و از آن جمله سوسیال دموکراتها به بحث و تحقیق در پیرامون این مسئله پرداختند. البته سوسیال دموکرات ها در سال ۱۹۰۳ یعنی دو سال قبل از وقوع انقلاب، نیز

به مسئله ملی برخورد جدی نمودند، در برنامه حزب خود ماده ای را بسمه آن اختصاص داده بودند. طبق ماده ۹ اولین برنامه حزب، برای خلقهای ساکن در قلمرو امپراطوری روسیه حق تعیین سرنوشت در نظر گرفته شده بود. در این شرایط روسیه تزاری به "زندان ملت ها" معروف بود. بنابراین هیچ حزب سیاسی نمی توانست بدون برخورد جدی و جستن راه حل واقعی و عملی مسئله ملی، در پی حل معضلات سراسر جامعه برآمده و خواب ستار دگرگونی های بنیادی و کسب قدرت سیاسی باشد. لنین با توجه به این مهم و با اعتقاد به حل نهایی مسئله ملی، به تئوریزه کردن این مسئله در ارتباط با مارکسیسم و جنبش کارگری پرداخت.

در کنار لنین، استالین نیز بنویسنده خود نقش مهمی در تدوین تئوری مسئله ملی در درون حزب بلشویک داشت. در واقع آنچه که بعدها بعنوان برخورد مارکسیستی - لنینیستی به مسئله ملی در اتحاد شوروی چند ملتی و در میان احزاب مارکسیست - لنینیست معروف گشت، ماحصل اندیشه های استالین در این باب بود.

درک مسئله ملی و یافتن راه حل عملی در چارچوب حزبی که ساختار تشکیلاتی آن را سانترالیسم دموکراتیک تشکیلسل می داد، کار آسانی نبود. قائل شدن حق تعیین سرنوشت تا حد جدایی از یکسوی، کانالیزه کردن جنبش ملی در جهت جنبش کارگری و قائل نشدن صف مستقل و جدا از این جنبش به جنبش ملی از سوی دیگر، طبعاً منجر به بروز تناقضات و حتی

تضادهایی میشد.

لنین معتقد بود که جنبش های ملی ارتباط تاریخی با سرمایه داری دارند. او نوشته بود که "مرحله پیروزی قطععی کاپیتالیسم بر فئودالیسم با جنبش های ملی در ارتباط بود." (۱) یعنی جنبش های ملی دارای محتوای مترقی و پتانسیل انقلابی است. این پتانسیل بویژه در روسیه و جوامع شرقی در آن شرایط می توانست پشتیبان جنبش کارگری و کمونیستی گردد. عصر، عصر بیستاداری ملت های شرقی و اعتلای جنبش های ملی بود. لنین در برخورد به مسئله ملی تجربیات روز را به مدد گرفته گام را فراتر از مارکس و انگلس گذاشته از اعلام و به رسمیت شناخته شدن حق تعیین سرنوشت ملت ها به مفهوم سیاسی کله یعنی ایجاد دولت مستقل ملی و حق جدا شدن طرفداری می کرد. مارکس و انگلس به مقوله حق تعیین سرنوشت با شک و تردید نگاه می کردند و طرفدار "حق ملت های بزرگ اروپایی برای موجودیت مستقل و جدا" و حق تعیین سرنوشت "ملت های تاریخی" یعنی ملت هایی که به لحاظ فرهنگ و تمدن به حد کافی رشد کرده اند بودند. لنین با توجه به اهمیت جنبش های ملی بطور اعم و محتوای انقلابی و دموکراتیک جنبش های ملی ملت های تحت ستم بطور اخص، و نیز به لحاظ اهمیت چگونگی حل این مسئله که دیر یا زود - مادامکه حل نشود - به معضل بنیادی تبدیل خواهد شد، خود را به چارچوب نظریات مارکس و انگلس در باره مسئله ملی محدود نکرد و بنه در صفحه ۸

خدر دریایف، نویسنده و شاعر بزرگ خلق ترکمن درگذشت

خدر دریایف، نویسنده و شاعر بزرگ و یکی از مبارزان بنام در دوران دیکتاتوری استالین، در سن ۸۴ سالگی دیده از جهان فرو بست. مرگ وی ضربه سنگین دیگری بعد از مرگ کریم قربان نپسراف، بر پیکر ادبیات ترکمنستان شوروی و خلق ترکمن است.

خدر دریایف در سال ۱۹۰۵ در روستای "کوگجه" از بخش وکیل بازار استان ماری (مرو) در یک خانواده روستایی فقیر متولد شد. وی دوران کودکی خود را در زیر تاخت و تاز امیران بخارا و خیسوه و قزاقان روسیه تزاری وزیرچاپاول خانهای محلی سپری نمود. درست همین امر باعث شد که در او عشق خدمت به خلق و جستجوی راه رهایی خلق ترکمن ریشه دواند و بعد از انقلاب اکبر تمامی عمر خویش را وقف بهروزی خلقش نماید.

خدر دریایف بعد از اتمام دانشکده علوم تاشکند در سال ۱۹۲۶ و اتمام رشته شرق شناسی دانشگاه دولتی آسیای میانه در سال ۱۹۳۲، با سمت استادی دانشگاه تربیت معلم عشق آباد مشغول بکار شد. وی در حین تدریس، در زمینه های زبان شناسی و علوم تربیتی مقالات متعددی را بچاپ رساند. خدر دریایف همانگونه که خود در زمره کاد رهای نوین علمی و انقلابی خلق ترکمن بود، در زمینه پرورش کاد رهای ملی جدید نیز نقش بسزایی در آن دوران ایفا نمود. بزرگترین اثر خدر دریایف در آن سالها، منظومه "آمودریا" که در سال ۱۹۲۸ آنرا به خلقش، خلقی که سالیان دراز در آرزوی

رسیدن آب و بار آوری صحرای تاراقوم حسرت میکشید، تقدیم نمود.

اما دوران شکوفایی خلاقیت و دوران خدمات بزرگ خدر دریایف به خلق ترکمن مصادف با دوره جنایت آفرینی های استالین در ترکمنستان شوروی بود. شاعر و نویسنده مبارز، خدر دریایف که بنا به سرشت انساندوستانه و انقلابی خود نمی توانست شاهد بیطرف آنهمه فجایع در سرزمین خود باشد، کتاب "غانلی پنجه دن" (از جنگال خونین) را در سال ۱۹۳۷ به رشته تحریر درآورد. انتشار این کتاب باعث دستگیری و تبعید وی شد. او به همراه تعداد کثیری از فرزندان مبارز ترکمن راهی زندانها و تبعیدگاهها گردید و بعد از تحمل سختی ها و مشقات تبعید در دوران استالینیزم در سال ۱۹۵۶ بعد از اعاده حیثیت از وی، آزاد و دوباره کار خلاقانه ادبی خود را آغاز نمود.

اینبار رمان "غانلی پنجه دن" (از جنگال خونین) وی تغییر نام یافته و بنام "انقبال" (سرنوشت) در سالهای ۱۹۶۰، ۱۹۶۲، ۱۹۷۲، در ۶ جلد بچاپ رسید. انتشار این رمان بزرگ، نه تنها در ترکمنستان شوروی بلکه در ترکمنستان ایران نیز شهرت و محبوبیت زیادی را برای خدر دریایف به همراه آورد. این رمان بزرگ و تاریخی تصویرگر زندگی خلق ترکمن در قبل و بعد از انقلاب اکبر است. نمایشنامه های معروفی چون "خوجه نیس"، "ماهیری" و فیلم "محراداتی آلتار" از این رمان اقتباس شده اند.

درست بخاطر مضمون عمیقاً انقلابی و انساندوستانه رمان بزرگ "انقبال" و دید مو شکافانه نویسنده آن در بنظم کشیدن استادانه تضادهای دوران قبل و بعد از انقلاب اکبر بود که توجه روشنفکران ترکمنستان ایران نیز بدان جلب شد. فرزندان راستین خلق ترکمن همانند رفیق شهید گرگان بپلکه، در دوران دیکتاتوری محمد رضاشاهی با هزاران مشقت این کتاب را تهیه و به ترجمه آن دست زدند. اما وقوع انقلاب بهمین و کار شبانه رزی رفیق شهید در دوران حاکمیت کانون و استاد در منطقه، فرصت اتمام ترجمه این اثر را نداد. با تیرباران رفیق بدست دشیمان خمینی، کار ترجمه این اثر نیز متوقف شد و اکنون وظیفه اتمام این کار بر عهده ادامه دهندگان راه گرسگان بپلکه ها می باشد.

شاهدان عینی زندگی پر بار نویسنده بزرگ برآستی حق دارند که درباره اش چنین بگویند: "تمامی هم و غش خلقش بود!" زیرا خدر دریایف، هر لحظه عمر پر بار خویش را در راه منافع خلق خود صرف نموده است.

خدر دریایف در طول عمر خود چندین بار مفتح به دریافت جوایز، نشانها و مدالهای علمی گوناگونی از طرف حزب و دولت ترکمنستان شوروی گردید. خلق ترکمن شوروی نیز با دادن لقبی چون "خدر آقا" بزرگترین قدردانی خود را از فرزند فداکار خود نمود.

کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن
بنیاد در صفحه ۲

بحثی دربارهٔ ...

خلق خویش را تدوین کرده اند. ولی خلقهای تحت‌ستمی چون خلق ترکمن که همیشه از طرف دولت‌های مرکزی تحت ستم بوده اند، نه تنها در زمینه تدوین تاریخ زبان خویش موفق نبودند بلکه ستم ملی و طبقاتی عامل سد کنندۀ رشد زبان آنها بوده است. زیرا دولت‌های مرکزی همیشه در جهت نابودی زبان خلقهای تحت‌ستم و بتبع آن در جهت نابودی و استحالهٔ این خلقها در خلق حاکم بوده و هستند.

خلق ترکمن ایران، از جمله خلقهای تحت‌ستمی است که نه تنها از تدوین تاریخ و حروف نوشتاری زبان خود محروم بوده است، بلکه حتی تکلم بزبان این خلق در ادارات و مؤسسات عمومی دولتی و مدارس ممنوع بوده و هست. بهین خاطر چه در دوران رژیم پهلوی و خمینی و چه پیش از آن خلق ما نتوانسته است در زمینه تدوین تاریخ زبان و رشد و بارآوری آن حرکتی بکند. از طرف دیگر عامل تشدید کنندۀ وضعیت دردناک زبان خلق ترکمن عدم وجود تشکیلات خاص این خلوق و رهبری روشنفکران ترکمن بوسیلهٔ تشکیلاتها بیگانه با فرهنگ، ادبیات، زبان و تاریخ خلق ما بوده است. حال که تشکیلات خلق ترکمن استقلال تشکیلاتی و سیاسی خود را باز یافته است، این وظیفهٔ ماست که در جهت تدوین تاریخ و حروف نوشتاری زبان خلق ترکمن و به تبع تاریخ آن خلق بکوشیم. چه، تدوین تاریخ زبان خلق ما و تعیین شیوهٔ نوشتاری واحد برای ما، از سویی خود عین مبارزه علیه

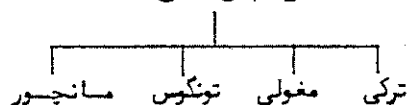
رژیم شوونیستی - مذهبی خمینی و جامعهٔ عمل پوشاندن به وظیفهٔ سیاسی و فرهنگی نسبت به خلقمان و از سوی دیگر پیرایش زبان ترکمنی از لغات بیگانه مبارزه ایست علیه "اورارسم". زیرا قاطبی کردن چند زبان یعنی "اورارسم" نشانهٔ بی هویتی محض می باشد. ناگفته نماند که غرض از طرح مسئلهٔ فوق دشمنی با هیچ زبانی نیست. چه، مسلم و قطعی است که هیچ زبانی دشمن زبان دیگری نیست، بخصوص در عصر حاضر که هر خلقی برای رفیع حوایج مادی و معنوی خویش و بهره برداری از علوم و فنون معاصر احتیاج دارد که به چند زبان آشنایی داشته باشد.

کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن، بنا به احساس مسئولیت سنگین خود در قبال تدوین تاریخ و رشد زبان ترکمنی، در ارگان مرکزی خود بحثی را تحت عنوان "بحثی دربارهٔ تاریخ و رشد زبان ترکمنی" می گشاید و از همهٔ صاحب نظران و آگاهان در این مورد دعوت به همکاری می نماید.

ما در ذیل بنا به توان خود و جهت هر چه بیشتر روشنتر شدن مبحث فوق و برای شروع و نتیجه گیری اصولی و مثبت از این بحث زاویه ای را می گشاییم که امید است برای صاحب نظران در مورد زبان ترکمنی مفید واقع گردد.

زبان ترکمنی از لحاظ تقسیم بنسبی زبان شناسی جزو زبانهای آلتایی محسوب میشود و زبان آلتای خود به چهار گروه تقسیم می گردد:

زبانهای آلتای



بقیه در صفحه ۱۱

رژیم ج.ا.و ...

به گزارش مدیریت بازرگانی وزارت برنامه و بودجه "دولت به کالاهای اساسی مانند گندم، قند، شکر، گوشت قرمز و سفید، جای، روغن نباتی، برنج، تخم مرغ، لبنیات، خوراک دام و طیور، کود شیمیایی، سم و چسبند کالای مصرفی دیگر سوسید می دهد".

ابعاد فاجعه زمانی روشن میشود که خالی شدن روستاهای کشور را در نظر بگیریم. رژیم خمینی که بنیانگذارش زمانی مدعی بود که: "من دستان پینه بستهٔ دهقانان را می بوسم"، دهقانان را به چنان روز سیاهی نشاند که است که آنان خانه و کاشانه خود را ترک می کنند و راهی شهرها می شوند. مهاجرت دهقانان از روستاها روز بروز ابعاد بیشتری بخود می گیرد. مسئولان امور سرشماری، در دیدار مسعود روحی زنجانی وزیر برنامه و بودجه از مشهد، وی را از چگونگی نتایج سرشماری عمومی کشاورزی مشهد مطلع ساختند. طی این بازدید، مسئولان امر سرشماری گزارش دادند که از ۱۸۰۷ آبادی شهرستان مشهد ۵۷۳ پارچهٔ آن خالی از سکنه شده است. وضعیت در دیگر استانهای کشور هم بهتر از این نیست. گزارشها و آمار منتشر شده همه نشانگر آن است که رکود به تمام عرصه‌های اقتصادی کشانده شده است و صادرات غیر نفتی رژیم روز بروز کاهش پیدا می کند و شعار خودکفایی رژیم یاوه گویی ای بیش نیست.

مسئلهٔ ملی و ...

۱۶، چاپ آلمان

(۱۲) - به نقل از نشریهٔ "اندیشهٔ رهایی"

شماره های ۳ و ۴، صفحه ۲۳۸

ایرانی بیگیت

اؤنککی توموس بۇلغار یا بارامدا ،
 بیر بیگید ، غابات کلدیم وارنادا ،
 "من ایراندن کلدیم" دیدی ال بیگیت ،
 "یانشدا بار کلنیم" دیدی ال بیگیت ،
 "ایکی سانی اُغلوم بار یانشدا ،
 اشا بارسا غالمایوق دال یانشدا ،
 اوزوم تورکمن" دیدی ایرانلی بیگیت .
 خال - آخال سؤراشدق تورکمن دیلینده
 "ایراندان یاغدا ایشترآغیر" دیدی ال بیگیت
 "دیلیمیز - پلتک ،
 آرقامز - یاغز" دیدی ال بیگیت .
 "نه حاقتمز - حقوتمز غالدی" دیدی ال بیگیت
 "نه اریکیمیز غالدی" دیدی ال بیگیت ،
 "نه تومونکیمیز - اوغومز غالدی" دیدی ال بیگیت ،
 "نه مولکومیز غالدی" دیدی ال بیگیت .
 میللتیمیز "تورکمن" دیللیپ یازئلانوق
 چاغلاریمیز اقامایار تورکمنچه .
 ائننامسانکمز ،
 حابار غاتئب کورآینک ،
 "اغل لاریم دیلی بیلنوق منجه
 "نه ایلیمیز غالدی" دیدی ال بیگیت ،

"نه دینیمیز غالدی" دیدی ال بیگیت .
 "دینگه ، دینگه ،
 بیر آزابیق ،
 آزابیق
 واخ ، دیلیمیز غالدی" دیدی ال بیگیت . . .
 شیله بیر آخاللی کور بردی دوستوم ،
 منم اؤنک کورونکین دینگلدیم کنگلاپ :
 "کونباتار پرلینه بارامدا اؤنکراک ،
 دیدی : کؤچا سئغمان اوتوب باریار ایل ،
 بیرری ایلاک ، بیرری پیلاک - سر - سپلی
 غارا کویوک دوشسه ، اقلاب ائگینه ،
 "نه تومونکیمیز - اوغومز غالدی" دیدی ال بیگیت ،
 "نه اریکیمیز غالدی" دیدی ال بیگیت ،
 "نه مولکومیز غالدی" دیدی ال بیگیت .
 داشئندان سئشرتارئپ ،
 ایچیندن - آغلاپ ،
 غارا غارنی اوچین آیاق غاب یاغلاپ . . .
 دیدی : "اؤنک سئتلاری پرینده ،
 یؤنه شیله کورسینگ ، دیرسینگ دیوانا .
 بیریات دیلده خابار غاتئب ساقلادی ،
 دوشدوم "آیاق غابینگ یاغلاپ" دئیانه .
 آیاقئمی غویدوم اؤنک دئزئندا
 کؤیلدی یوزؤند ، بیر آزیلغشرما ،
 دیبیک ،
 خوشبولدی ال رازئلغما !
 چؤنگه بیلن غارا یاغی چؤجلاپ ،
 یانئکی کیشی آیاق غابم چؤنگه لاپ . . .
 حینکله نیپ باشلادی کؤونی خوشبولوب
 کورؤپ دورسام ، تورکمن اکن ال ماخلوق . . .
 سئرتماق سالئشپ ایدلسه - ده ،
 ینکسیندن ایتیلسه - ده ،
 واطانئنی بیتیرسه - ده ،
 نامشئنی بیتیرسه - ده ،
 بو دونیاده یاشاشئنگ
 مانشئنی بیتیرسه - ده ،
 بیتیرمان اکن ال تورکمن دیلینی . . .
 - هاوا !
 دوستوم اؤنک تورکمن دیگینی
 ائنگ تورکمنچه حینکله شیندن آنگئیدئر .

 هاوا ، اؤنک دینگه دیلی غالییدئر .
 قاشم نوربادف

مسئله ملی و . . .

مقابلشان قرار دارد . بویژه در میان
 ایرانیان ، کاملاً مناسب است که کارگران
 و بورژوازی نیروهای خود را به یکدیگر
 متصل کرده ، تا از یوغ غیر قابل تحمل
 خان های فئودال که همه چیز را بسه
 انگلیس واگذار کرده اند رهایی یابند (۱۲)
 (تأکیدات از ماست) . با اتخاذ ایسن
 موضع بود که هیچرین به مدافع رضاخان
 تبدیل شده و به مخالفت با جنبش گیلان
 به رهبری میرزا کوچک خان برخاسته بود .
 همچنین نتیجه این دیپلماسی بود که

رضاخان از دید سیاست خارجی شوروی
 شخصیتی ملی تلقی شده و جنبش ملی -
 دموکراتیک خلق ترکمن در ایران ارتجاعی
 ارزیابی شده بود .
 ادامه دارد .
 زیر نویس ها :
 (۱) - مجموعه آثار لنین ، جلد ۲۰ ، صفحه ۳۹۸ ، چاپ آلمان
 (۲) - مجموعه آثار لنین ، جلد ۶ ، صفحه ۴۵۲ ، چاپ آلمان
 (۳) - مجموعه آثار لنین ، جلد ۶ ، صفحه ۶

(۴) - ح . کار ، انقلاب بلشویکی ، جلد ۱
 صفحه ۲۷۹ ، چاپ انگلیس
 (۵) - مایسز ، برنامه حزب کمونیست شوروی
 ۱۹۶۱ - ۱۹۰۶ ، صفحه ۱۲۸ ، چاپ آلمان
 (۶) - د . بورسنر ، بلشویک ها و مسئله ملی
 و مستعمراتی (۱۹۱۷ - ۲۸) ، صفحه ۲۷۱
 چاپ انگلیس
 (۷) - اولین کنگره انترناسیونال کمونیستی
 پروتکل ، صفحه ۱۰۴۱ ، چاپ آلمان
 (۸) - به نقل از نشریه "اندیشه رهایی" ،
 شماره های ۳ و ۴ ، صفحه ۲۴۵
 بچه در صفحه ۱۰

برقرار باد اتحاد خلقهای تحت ستم ایران !

مسئله ملی و ...

از "حق تعیین سرنوشت ملل" دفاع می کرد. ولی اکنون مسئله ملتها در شوروی ملموس تر و برخورد بدان جدی تر شده بود. هر چند برخورد جدید به این مسئله و پیش کشیده شدن فدرالیسم همچنان مخالفت هایی را از درون خود حزب و دولت شوروی برانگیخته بود، ولی این برخورد بعنوان برخورد غالب بسسه مسئله ملی تلقی شده و از تصویب میگذرد. در هشتمین کنگره حزب کمونیست در سال ۱۹۱۹، دیدگاه بوخارین و رفقاییش در باره مسئله ملی یعنی "حق تعیین سرنوشت کارگران و زحمتکشان" دوباره رد شده و بجای آن حق تعیین سرنوشت بسسه مثابه حق جدا شدن و تشکیل دولت از طرف "مستعمرات و ملت هایی که از برابری حقوق محرومند" به تصویب رسید. استالین بعنوان رئیس کمیساریای خلق ها "در کنار لنین نقش اساسی را در تدوین و پیساده شدن نظریه فوق داشت. البته در برنامه کنگره تأکید گردید در باره: اینکه چه کسی باید حامل (بیانگر) خواست خلقی جهت جدایی باشد، ک. پ. ر (حزب کمونیست روسیه) از نقطه نظر تاریخی - طبقاتی دفاع کرده و همواره مدنظر دارد که ملت مورد نظر در چه مرحله ای از رشد قرار دارد؟ آیا (این ملت) در جهت گذار از (مرحله) قرون وسطایی بسسه (مرحله) دموکراسی بورژوازی و بسا از (مرحله) بورژوازی به (مرحله) دموکراسی شورایی یا پرولتری" (۴) این برخورد به "حق تعیین سرنوشت" با "حق تعیین

به هدف فوق الذکر می کرد. لنین پس برده بود که تنها با تکیه بر نیروی جنبش کارگری در مقیاس بین المللی نمی توان با امپریالیسم مقابله کرد. بعد از پیروزی انقلاب سوسیالیستی اکتبر، مسائل و وظایف جدیدی در عرصه مسائل ملی در برابر حزب کمونیست و دولت شوروی قرار گرفت. لنین و رفقاییش بعد از بررسی وضعیت جدید و بسا آمد نظر داشتن این مسئله که سیستم حاکم بر کشور دیگر کاپیتالیسم نبوده بلکه سوسیالیسم است، فدرالیسم را بعنوان مناسب ترین راه حل مسئله ملی مطرح کردند. البته از بدو آغاز بحث در اطراف مسئله ملی در درون سوسیال دموکراتها، همواره مسئله فدرالیسم نیز مطرح بسسوده است. لیکن اکنون این مسئله بعنوان راه حل پیشنهادی، حزبی که قدرت سیاسی را در دست دارد مطرح میشد. همچنین مقوله "حق تعیین سرنوشت ملل" از سو مورد بررسی دقیق تری قرار گرفته و تعاریف جدید تری از آن بدست داده شسسد. فی المثل: "شورای کمیساریای خلق ها در این جهت اقدام خواهد کرد تا همسه قدرت در اوکرایین به خلق اوکرایین یعنی به کارگران، سربازان، دهقانان و ملوانان اوکرایینی تعلق گیرد" (۳)، از جمله تعاریف جدید است. این تعریف از حق تعیین سرنوشت به تعریفی که بوخارین از این مسئله بدست می داد نزدیک تر بود. بوخارین معتقد به "حق تعیین سرنوشت کارگران و زحمتکشان" بود. لنین این تعریف از حق تعیین سرنوشت را رد کرده

و تا هنگام مرگ خویش همواره از حق تعیین سرنوشت ملل به دست خویش دفاع کرد و بارها و بارها به اطرافیان خود در قبال خطر شوونیسم ملت بزرگ روس هشدار داد. برای لنین، هدف استقرار سوسیالیسم و بسس حل مسئله ملی در چارچوب این سیستم بود. و سوسیالیسم ایدئولوژی ای است که نزدیکی هر چه بیشتر ملت ها و حتی از میان برداشته شدن مرزها را طلب می کند. خود لنین علیرغم اعتقادش به حق تعیین سرنوشت ملت ها و قائل شدن حق جدا شدن به آنها، هرگز از تبلیغ از میان برداشته شدن مرزهای سرزمین های همه ملل و نزدیکی و اتحاد والحاق همه آنها کوتاهی نکرد. تأکید او روی "بدون قید و شرط نزدیکترین اتحاد پرولتاریای همه ملل" (۲) از این امر ناشی می شود.

در زمان جنگ اول جهانی، لنین نظریات خود در باره مسئله ملی را تکمیل تر نمود. او با تبیین تز امپریالیسم بسسه مثابه قدرتی بین المللی، بیشتر توجه خود را به نیروی موجود در ملت های تحت ستم معطوف داشت. او به این نتیجه رسید که جهت مقابله با امپریالیسم، کسه مرزها را درهم نوردیده و به قدرتی جهانی بدل گشته بود، پرولتاریا نیز باید روی متحدینی در سراسر جهان تکیه کند. از این روی انگشت گذاردن روی عناصر بورژوا - دموکراتیک جنبش های رهایی بخش ملی کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره و بکار گرفتن نیروی آنها، خدمت

مسئله ملی و ...

سرنوشت ملل بدست خویش" مطرح کرده از طرف حزب کمونیست مغایرت آشکار دارد. اینکه در برنامه کنگره حزب صراحتاً اعلام می شود که: این حزب کمونیست است که تعیین می کند يك ملت در چه مرحله از رشد قرار دارد، خود ناقض اصل "حق تعیین سرنوشت ملل بدست خویش" است. دقیقاً همین برخورد به مسئله ملی بود که دست استالین در سرکوب اقلیت های ملی اتحاد شوروی را باز گذاشت.

در برنامه جدید حزب کمونیست تأکید گردید که اتحاد فدراتیوی "بعنوان شکل گذرای دولت های سازمان یافته از نسوع شوروی است که در راه وحدت کامل قدم برمی دارند" (۵) در این فرمولبندی فدالیسم بعنوان مرحله گذار تعریف شده و هدف غایی یگانگی کامل همه دولت ها و عبارتی همه ملل در نظر گرفته شده است. البته این یگانگی تنها از طریق وقوع انقلاب جهانی امکان پذیر بود.

لنین در سال ۱۹۲۰ خط مشی کمیتن را بعنوان جنبه های استراتژی انقلابی چنین توضیح داده بود: الف) اگر چنانچه انقلابی سوسیالیستی در مراکز غربی امپریالیسم پیروز شود، در مستعمرات سیاست مستقل کمونیستی ظهور خواهد کرد که هم ضد فئودالی و هم ضد بورژوازی خواهد بود. در ضمن این سیاست بایستی نزدیکترین تعاس را با دهقانان داشته باشد. ب) اگر چنانچه انقلاب در غرب به تعویق بیفتد، در این صورت برآگ مستعمرات دور زدن سرمایه داری بلحاظ تاریخی لازم خواهد بود و کمونیست ها

باید از جنبش های استقلال طلبانه بورژوا - دموکراتیک حمایت کنند. هدف چنین حمایت هایی باید تبدیل مستعمرات از ذخیره کاپیتالیسم به ذخیره سوسیالیسم باشد. (۶)

در کمیتن نظر واحدی در پیرامون مسئله ملی حاکم نبود. مثلاً تروتسکی خطا به "برده های مستعمراتی آفریقا و آسیا" چنین خطاب می کرد: "لحظه برقراری دیکتاتوری در اروپا، لحظه رهایی شما نیز خواهد بود!" (۷) سلطان گالیف یکی از گردانندگان اصلی کمیتن چنین می گفت: "رهبران انقلاب آنتیر بسا درک کاملی در دست از این قانون، سعی کردند که انقلاب روسیه را به انقلاب جهانی تبدیل کنند. غیر از این نیز نمی توانست باشد چرا که اگر جز این بود، انقسلاب سوسیالیستی روسیه، تمامی مفهوم خود را از دست می داد." (۸)

در آن شرایط ایده "انقلاب جهانی" صرفداران زیادی داشت. این درست زمانی بود که بحث های داغی در اطراف پایداری و یا عدم پایداری انقسلاب سوسیالیستی در يك کشور بدون ایجاد انقلاب جهانی درمی گرفت. استالین در سال ۱۹۱۸ طی مقاله ای تحت عنوان "شرق را فراموش نکنید" و "نور از شرق می آید"، روی نقش خلق های مستعمرات در پروسه انقلاب جهانی تکیه کرده نوشته بود: "وظیفه کمونیست هاست که جنبش خود بخودی در حال رشد در شرق را مورد حمایت قرار داده و آن را تا مرحله مبارزه آگاهانه علیه امپریالیسم اعتنلا بخشند." (۹) در اولین ماده موه

کمیتن نیز آمده است که: "ارزیابی کنگره بر این است که بدون شرکت شرق بعنوان نیروی اجتماعی و اقتصادی انکارناپذیر، مسئله انقلاب سوسیالیستی جهانی را نمی توان حل کرد." (۱۰) سیاست حزب کمونیست در شرایطی می توانست پیاده شود که سیاست کمیتن با آن در هماهنگی کامل قرار گرفته و سیاست ملی حزب بعنوان سیاست ملی کمیتن پذیرفته شود. با توجه به اختلاف نظرهای درون کمیتن هماهنگی طبیعی و کامل در درون کمیتن ممکن نبود. انقلابیون کشورهای مختلف با برداشتها و تحلیل های سیاسی اقتصادی و اجتماعی خود نشان می دادند که کمتر با واقعیات جامعه خویش آشنا هستند و این قبیل تحلیل ها عمدتاً بدور از واقعیات جامعه بودند. به مرور زمان سیاست خارجی دولت شوروی وزن بیشتری پیدا کرده و سیاست و منافع کمیتن بتدریج در سایه قرار گرفت. درست در اوج جنبش های ملی ایران، ترکیه و افغانستان بود که دولت شوروی معاهدات دوستی با کشورهای فوق منعقد نمود (۱۱) موضع خویش را در قبال جنبش های ملی این سه کشور عوض کرد. موضع جیجیرین کمیسر امور خارجه حکومت شوروی در زمان لنین، مینا نگر سیاست خارجی شوروی و موضع آن در قبال جنبش های ملی است: "اتحاد با بورژوازی کاملاً صحیح است، اما صرفاً در میان خلق های تحت ستم، مانند ایران، که وظیفه نابسودی فئودالیسم خانه زاد، که بوسیله سرنیزه يك ملت مستحکم پشتیبانی می شوند، در بقیه در صفحه ۷

حق تعیین سرنوشت بدست خودیش حق همه ملل است

بیمنا سبت آغاز . . .

رژیم قرون وسطائی و تاریک اندیش جمهوری اسلامی در ادامه این سیاست بسیاری از معلمین، دانشجویان و دانش آموزان را اخراج و بجای معلمان یسومی معلمین غیر بومی را بخدمت گرفت. بسیاری از معلمین اخراجی برای تأمین معاش خود و خانواده هایشان مجبور به دستفروشی در خیابانها و یا تن دادن به کارهای دیگر گشته اند و نیز خیل عظیمی از معلمینی که هنوز اخراج نشده اند به علت مخارج سنگین زندگی و عدم کفایت حقوق ناچیز معلمی مجبور به کارهایی مانند: رانندگی و نجاری و . . . بعد از خاتمه ساعات تدریس می شوند که این امر خود عامل مؤثری در عدم کارآیی آنان می باشد. اخراج و تصفیه دانشجویان ترکمن از مراکز آموزش عالی کشور به امری عادی تبدیل گشته، چنانکه در بعضی از موارد تنها ترکمن بودن دلیل اخراجها بوده است. درصد قابل توجهی از زندانیان ترکمن را دانش آموزان، معلمین و دانشجویان تشکیل می دهند. در کنار تمامی این سرکوبها، تحمیل اجباری زبان فارسی و غیر قانونی بودن آموزش به زبان ترکمنی در مدارس ترکمنستان ایران یکی از وجوه بارزستم ملی بر خلق ترکمن می باشد.

سیاست شوونیستی و ارتجاعی رژیم پهلوی در امحاء زبان و فرهنگ خلق ترکمن، در سایه شوم حاکمیت تاریک اندیش و قرون وسطائی جمهوری اسلامی بصورت شدیدتری دنبال می شود. کودکان ترکمن که هنوز زبان مادری خود را بخوبی

فرا نگرفته اند با ورود به مدارس مجبور به یادگیری زبان فارسی می شوند. در اکثر روستاهای ترکمنستان که کودکان ترکمن هیچگونه تماسی با هموطنان فارسی زبان ندارند و اکثر معلمان این روستاها را (در پی اخراج افراد بومی) افسراد غیر بومی و بیگانه با فرهنگ و زبان خلق ترکمن تشکیل می دهند، درصد ترک تحصیل دانش آموزان افزایش یافته است. تحمیل یک زبان بیگانه به کودکان خردسال موجب عدم شلوفایی استعدادها، دلسردی و نهایتاً ترک تحصیل بسیاری از آنان را فراهم می سازد.

این حق طبیعی کودکان ترکمن است که تمامی مراحل تحصیل را به زبان مادری خود طی نموده و در کنار آن زبان فارسی را - به اعتقاد ما از کلاس چهارم ابتدائی بیعد - فرا گیرند.

یکی دیگر از مشکلات عدیده دانش آموزان و دانشجویان ترکمن تأمین مخارج تحصیل می باشد. بسیاری از آنها جهت تأمین مخارج تحصیل خود مجبور به کار در مزارع، صیادی و . . . می باشند. این امر با افزایش اعتیاد در بین والدین آنها - که اخیراً در منطقه ترکمنستان افزایش زیادی یافته و خود ارگانهای رژیم از پخش کنندگان اصلی آن در منطقه می باشند - بسیاری از دانش آموزان مجبور به ترک تحصیل و یا مجبور به کار در کنار تحصیل و غیبت های متوالی از کلاس درس می باشند.

رژیم ضد بشری و تاریک اندیش جمهوری اسلامی اخیراً جنگ اعتیاد را در منطقه ترکمنستان بصورت پیشرفته ای حتی به مدارس نیز کشانده است، تاکنون بارها

مشاهده شده که بسیاری از سوداگران مرک که روابط حسنه ای با عوامل رژیم دارند، آزادانه در بین دانش آموزان شهر و روستا به تقسیم و فروش مواد مخدر مشغولند.

دانش آموزان، دانشجویان و معلمان مبارز ترکمن همانطور که تاکنون تمامی تبلیغات مذهبی و طرحهای ارتجاعی نظیر طرح پاسدار - دانش آموز و . . . را برای اعزام آنها به جبهه های بی بازگشت با شکست مواجه ساخته اند، هم - چنان به مبارزه خود علیه رژیم ضد علم و دانش ادامه داده و در صفوف سازمان انقلابی و دموکراتیک خود، یعنی کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن تا محو رژیم تاریک اندیش و ضد خلقی جمهوری اسلامی و برقراری دموکراسی و کسب حق تعیین سرنوشت خلق ترکمن همگام با خلقهای دیگر میهنمان نستوه و استوار به پیکار خود ادامه خواهند داد.

دویدادهای . . .

نشانه هرج و مرج و بی ثباتی (!) کشور نیست.

ایوزیسیون چپ و انقلابی شیلی بعد از اظهارات دیکتاتور به خیابانها ریختند و طی تظاهرات صد هاهزار نفری، کاخ دیکتاتور را محاصره کرده، و خواهان کنارگیری فوری وی گشتند.

مسئله ملی و . . .

(۹) - مجموعه آثار استالین، جلد ۴ صفحه ۵۹-۱۴۹

(۱۰) - به نقل از نشریه "اندیشه رهایی" شماره های آو ۴، صفحه ۲۴۱

(۱۱) - د. گایر، شوروی و ایران، صفحه ۶ بقیه در صفحه ۶

بحثی دربارهٔ ...

زبان ترکی که خود از شاخه های زبان آلتایی است، حدوداً دو هزار سال پیش به دو قسمت غربی و شرقی تقسیم شده است که عبارتند از:

زبان ترکی غربی (در قرن ۵ میلادی)

غارلیق اوغوز قیپچاق بلغار زبان اوغوز نیز به ۶ قسمت تقسیم شده است:

اوغوز

تاتارهای کریم - آذربایجان - ترکمنهای بالکان - گاگاوز - ترکی استانبولی - ترکمنی

حروف ترکمنی بعد از حمله اعراب و با استیلای اسلام تبدیل به حروف عربی شده است - شیدایی شاعر قرن ۱۸ خلق ترکمن

سؤزله دیم کؤزل بیگریم باش
 ائزلادیم کؤزل بیگریم باش
 بؤل امانات تللی - تللی
 کؤزله دشم کؤزل بیگریم باش
 کوزنوب دور توتا بیلمن
 ائزلادیم کؤزل بیگریم باش
 اون سکیزی تار تار چکیپ
 کچردیتک کؤزل بیگریم باش
 یازیب کچیش نیجه بندی
 سنی ائزلاب کؤزل بیگریم باش
 سنینک اوچین یاس توتارلار
 یئتر سن کؤزل بیگریم باش

شیله غولاغا یاقتملی
 نیجه آوازی چکیلمی
 بو کون اوزنونک بولد ی بللی
 اوسوریب شول گوننه چنلی
 آرزو ادیب یته بیلمن
 مالی - دنیا ساتا بیلمن
 یدیسیندن آواز چنقنب
 اوچ مونگ یاشدا عمرینک یاقیب
 ماتم، مرثیه شاه قندی
 او قیب یاد ادرلر شیندی
 شیدایی دییر بار بترلر
 بو واخت کم - کاس توتارلار

همانگونه که از شعر فوق پیداست، به نظر شیدایی و زبان شناسان دیگران دوره مانند شاه قندی، خط قدیمی ترکمنها تا استیلای اعراب در آسیای میانه، ۲۰۰۰ سال قدمت داشت و بعد از آن از بین رفت.

رژیم ج.ا. و خودکفایی

پرویش، بهداشت و آموزش پزشکی و فرهنگ و آموزش عالی را تأمین نمی کند. و این در حالی است که بار عظیم گرانی و کمبود را زحمتگشان و توده های مردم بر دوش می کشند و تجار و آندهایی که بازار احتکار و ربا را در قبضه دارند، دست در دست ملاهای حاکم در این آشفته بازار نه تنها از پرداخت مالیاتهای معمول سرمازمیزند بلکه روزیروز بر میزان نقدینگی هایشان نیز افزود می شود. به گفته معاون امور مالیاتی وزارت دارائی هیچ تاجریا صاحب مغازه ای در ایران میزان واقعی درآمدش را به میزان مالیاتی بروز نمی دهد و آنچه را که بعنوان حساب و کتاب یکپاله برابر چشمان مأمور مالیاتی می گذارد جز مقداری عدد و رقم مخلوط چیز دیگری نیست. سران رژیم در مدت ۱۰ سال حکومت خود نه تنها با لجاجت در ادامه

یکی از نتایج مخرب جنگ هشت ساله وضعیت نابسامان اقتصادی است که هم اکنون سران ج.ا. با آن دست بگریباندند. طبق آمار منتشر شده قروض ج.ا. به کشورهای خارجی به مرز ۵ میلیارد دلار رسیده است. در حالی که منبع درآمد های ارزی رژیم به علت کم شدن صدور صادرات غیرنفتی و نیز عدم ثبات قیمت نفت سیسر نزولی را طی می کند. در رابطه با تأمین بخشی از درآمدهای دولت از طریق مالیات باید گفت که بخش عمده آن را مردم محروم کشور متحمل می شوند. گذشته از آن این درآمد در مقایسه با درآمدهای دیگر مقدار ناچیزی را تشکیل میدهند؛ چرا که به گفته معاون امور حقوقی وزارت اقتصاد و دارائی: "درآمدهای مالیاتی دولت حتی بودجه سه وزارت آموزش و

جنگ باعث از بین رفتن منابع اقتصادی و انسانی غیر قابل جبرانی گردیدند بلکه با بندوبست با بازاربان و هدم توانایی در برنامه ریزی اقتصادی صحیح، بر بستر اقتصاد وابسته ایران، کشور را دچار چنان رکود و بحرانی نمودند که خروج از آن با وضعیت کنونی و ساختار سیاسی حاکم بر کشور غیر ممکن است. هنوز که هنوز است دست اندرکاران رژیم در اداره امور اقتصادی به یک نظر واحد نرسیده اند و بعید بنظر می رسد که در این مورد به توافق برسند.

آنها که دم از خودکفایی در زمینهای کشاورزی می زدند به چنان روزی افتادند که در حال حاضر عمده مایحتاج عمومی مردم را از خارج وارد می کنند.

بقیه در صفحه ۶

زمین از آن کسانیست که روی آن کار میکنند

رویدادهای جهان

اجلاس سالانه صندوق بین المللی پول

و بانک جهانی در برلین غربی .

چهل و سومین اجلاس سالانه صندوق بین المللی پول و بانک جهانی در روز دوشنبه ۴ مهر تا جمعه هشتم مهر ماه در شهر برلین غربی تشکیل شد .

صندوق بین المللی و بانک جهانی که تنظیم کننده رابطه ارزی در بین کشورهای سرمایه داری میباشد، در پی امضای قرارداد "برتون وودز" به عنوان یک نهاد بین المللی و در پی سیاستهای نو - استعماری کشورهای بزرگ سرمایه داری بنیان گذاری شده و کشور آمریکا در آن حق و تسو دارد .

این اجلاس سالانه که با تجمع چندین هزار متخصص اقتصادی کشورهای سرمایه داری - طراحان فقر و استثمار در کشورهای جهان سوم - تشکیل شده بود با اعتراضات و تظاهرات عظیم خیابانی نیروهای چپ و مترقی آلمانی مواجه گشت .

نیروهای چپ و مترقی مخالف این اجلاس با تشکیل کنگره مخالف صندوق بین المللی پول و بانک جهانی به افشای چهره واقعی و سیاست های نو استعماری آن در کشورهای فقیر دست زدند . در نشست های کنگره مخالف این اجلاس

در دانشگاه صنعتی برلین غربی - که با استقبال بی نظیری مواجه گشت - نمایندگان شرکت کننده از طرف سازمانهای سیاسی و کشورهای مخالف اجلاس از اقصی نقاط جهان، طی سخنرانی های خسود با افشاکری علیه سیاستهای ضد انسانی

و استثمارگرانه، انتقال بحران های اقتصادی کشورهای بزرگ سرمایه داری به کشورهای جهان سوم، نابودی محیط زیست در این کشورها و با خواست لغو بدون قید و شرط کلیه بدهی های کشورهای مقروض، به کارکنگره خاتمه دادند .
تشکیل کنگره ضد صندوق بین المللی پول و بانک جهانی برآستی گامی بزرگ در جهت شناساندن چهره واقعی "سازمان دهندگان فقر و فلاکت" در کشورهای فقیر نزد افکار عمومی بود .

در روزهای تشکیل اجلاس سالانه صندوق بین المللی پول و بانک جهانی شهر برلین غربی برآستی چهره شهری کودتا زده را یافته بود، که تنها با کمک چندین هزار پلیس ضد شورش و پسرو از هلی کوپترها بر فراز شهر، سدود کردن خیابانها، کنترل عابرین و . . . قابل کنترل بود .

تظاهرات کنندگان ضد اجلاس که از سراسر آلمان و حتی کشورهای دیگر به برلین غربی آمده بودند تا بار دیگر اتحاد خود را با کشورهای تحت سلطه اعلام دارند، با تظاهرات خیابانی خود نقش بسزایی در افشاکری علیه چپا و لگران شروتهای ملی کشورهای تحت سلطه ایفا کردند .

در تظاهرات عظیم روز سوم مهرماه - قبل از تشکیل اجلاس بین المللی پول و بانک جهانی - که از طرف سازمان های مترقی، اتحادیه های کارگری و نیروهای چپ آلمانی صورت گرفت، در خاتمه تظاهرات سخنرانی از کشورهای

السالوادور، هند و . . . که قربانیان واقعی سیاست های استعماری میباشد، به افشاکری علیه اجلاس پرداخته و خواستار اتحاد عمل هر چه بیشتر نیروهای مترقی علیه سیاست های صندوق بین المللی پول و بانک جهانی و لغو بدون قید و شرط بدهی های کشورهای مقروض گشتند .

شیلی : پیروزی اپوزیسیون در همه پرسی

با خاتمه همه پرسی - به صورت آری یا نه به ادامه حاکمیت پینوشه - کنگره بنا پیروزی اپوزیسیون خاتمه یافت، جنبش ضد دیکتاتوری در شیلی وارد فاز نویسی گشت . در همه پرسی ۵۵٪ رأی دهندگان علیه تمدید دوره ریاست جمهوری پینوشه رأی دادند . بعد از اعلام نتیجه همه پرسی، خلق شیلی و اپوزیسیون متشکل از ۱۶ حزب سیاسی با پایکوبی اینس پیروزی را جشن گرفتند .

در مقابل، پینوشه دیکتاتور در نطق خود بعد از همه پرسی اعلام کرد: "زمانی نیز مردم بجای مسیح، باراباس را انتخاب کرده اند" . او همچنین اظهار داشت که این شکست به مفهوم کناره گیری وی و

بقیه در صفحه ۱۰.

آدرس در خارج از کشور

POSTFACH 210101

5000 KÖLN 21

WEST-GERMANY

پایدار باد خاطرۀ شهیدای جاوید خلق ترکمن !